

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی

ایوب عامری^۱

محمد صیادفر^۲

هانی اعتمادی^۳



[10.22034/ssys.2023.2456.2773](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2456.2773)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

هدف پژوهش حاضر، ساختاردهی عوامل مؤثر بر بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی بود. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی بود که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی خبرگان آگاه به ورزش همگانی شامل مدیران و کارکنان فدراسیون ورزش‌های همگانی دارای اطلاعات کاملی در حوزه سیاست‌گذاری و همچنین اساتید مدیریت ورزشی آگاه به حوزه ورزش همگانی بودند. بر اساس انتخاب گلوله برفی تا حد رسیدن به اشباع نظری تعداد ۵۴ نفر (۱۲ نفر از فدراسیون ورزش‌های همگانی و همچنین ۴۲ نفر از اساتید مدیریت ورزشی آگاه به ورزش‌های همگانی) به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از روش‌های آماری کلوموگراف اسمیرنوف و آزمون تی‌تک نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. و روش مدل-سازی ساختاری تفسیری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد.

نتایج پژوهش نشان داد که کمبود منابع مالی در ورزش همگانی، انتصاب مدیران به دور از بررسی تجارب آنان در ورزش همگانی، ابهام در زمینه کارکردها و نقش متولیان ورزش همگانی در کشور و نبود ثبات مدیریتی در سازمان‌های ورزشی جزو عوامل مستقل کلیدی است که بر اساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری این عوامل خود سبب تأثیرگذاری بر سایر عوامل موجود بر بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی می‌شود. به عبارت دیگر، در جهت مدیریت بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی باید به عوامل مستقل کلیدی شناسایی‌شده توجه جدی نمود و سعی در رفع این عوامل داشت.

واژگان کلیدی: بزرگ‌نمایی، تعصب، ثبات مدیریت و ورزش همگانی.

^۱ دکترای مدیریت ورزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت‌بدنی، واحد هرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M_sayyadfar@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد مدیریت تربیت‌بدنی، اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان، ایران

مقدمه

ورزش همگانی به عنوان یکی از مسائل مهم و ضروری امروزه در سطح بین‌المللی مشخص شده است و تلاش‌هایی جهت توسعه آن به صورت جدی در دستور کار کشورها قرار گرفته است (کیم^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۶۲۴). کارکردهای فردی و گروهی ورزش همگانی باعث شده است تا دغدغه افزایش سطح آن در سیاست‌گذاری‌های کشورهای مختلف مدنظر قرار گیرد (بدارد^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۵۳). فواید جسمانی (کونترو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳)، روانی (هافمن^۴ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳)، اجتماعی (آندرسن^۵ و همکاران، ۲۰۱۹: ۸۳۴) و فرهنگی (اکودو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳) ورزش همگانی منجر به ایجاد ضرورت در جهت تعالی افراد و جوامع شده است (استراندبو^۷ و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۳۲). یکی از پدیده‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و اکثریت مردم را تقریباً تحت تأثیر قرار داده است، تربیت‌بدنی و ورزش است. ورزش، از فعالیت‌های مهم انسانی است که تقریباً در هر جامعه بشری وجود داشته است. انسان‌ها در طی زمان‌های گوناگون با این پدیده آشنایی و هر تمدنی رویکردی خاص به آن داشته است. اندیشمندان مسائل تربیتی در روزگاران پیشین به جنبه‌های ارزشی ورزش و نیروی عظیم آن در اجتماعی شدن انسان و ساختن شخصیت متوازن اجتماعی پی برده بودند. ارتباط فعالیت‌های ورزشی و تمرینات با بهداشت و سلامت از دیرباز شناخته شده است (آکندیتور^۸، ۲۰۰۵: ۷۷). ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، بهترین ساز و کار تأمین سلامت جسمانی و بهداشت روانی محسوب می‌شود و از این رو، سرمایه‌گذاری در آن به کاهش هزینه‌ها در بخش‌های بهداشت و درمان و مبارزه با مفاسد اجتماعی می‌انجامد و موجب پایین آمدن سطح ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۷). ورزش و تفریح، عامل مهمی در تأمین سلامت جسم و روان، غنی‌سازی اوقات فراغت، گسترش روابط اجتماعی، دورشدن از زندگی ماشینی و بازگشت به طبیعت است. در حقیقت امروزه، انگیزه مردم دنیا از شرکت در فعالیت‌های ورزشی، دستیابی به درجات بالای از قوای جسمانی و رسیدن به شعار المپیک (سرعت، بالاتر، قویتر) نیست، بلکه ارتقای سلامتی، تندرستی و نشاط، برقراری روابط اجتماعی سالم و دوری‌جستن از بیماری‌هاست (هامفرز^۹ و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۱).

¹ Kim

² Bedrd

³ Kontro

⁴ Hoffmann

⁵ Andersen

⁶ Akodu

⁷ Strandbu

⁸ Akindutire

⁹ Humphreys

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

در حالی که ورزش به ظاهر فواید متعددی برای شرکت کنندگان در سراسر جهان فراهم می سازد، اما سطح مشارکت ورزشی رو به کاهش رفته است. افزایش مشارکت های ورزشی در سطح جامعه می تواند سبب توسعه سلامت و مسائل اقتصادی و اجتماعی گردد (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۹۱). مطالعات بسیاری نشان داده است که مشارکت های ورزشی به صورت نابرابر در گروه ها و جوامع مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال، پژوهش های گذشته نشان داده است که مردان نسبت به زنان مشارکت ورزشی بیشتری دارند و یا جوانان و نوجوانان مشارکت ورزشی بیشتری نسبت به افراد بزرگسال دارا هستند. نابرابری مشارکت ورزشی در میان گروه های مختلف، در پژوهش های گوناگون به اثبات رسیده است، اما این مسئله را نمی توان در تمامی جوامع و کشورها تایید نمود. مرکز آمار کشور آمریکا در سال ۲۰۰۹ اعلام نمود که مشارکت ورزشی مردان این کشور ۳۹ درصد و مشارکت زنان ۲۳ درصد بود. همچنین این مرکز اعلام نمود که با افزایش سن، مشارکت ورزشی کاهش می یابد. به عنوان مثال، در کشور آمریکا مشارکت ورزشی افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله ۴۲ درصد و مشارکت ورزشی افراد ۴۵ تا ۵۴ سال ۲۳/۹ درصد است (بروئر^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۸۱).

در کشور هلند نیز داده ها نشان می دهد که با افزایش سن میزان مشارکت ورزشی کاهش می یابد. به عنوان مثال، مشارکت ورزشی افراد ۱۶-۱۹ سال حدود ۷۵ درصد، اما مشارکت ورزشی افزایش بالای ۶۵ سال حدود ۳۰ درصد است. جالب این است که در کشور هلند زنان مشارکت ورزشی ۷۲ درصدی و مردان مشارکت ورزشی ۶۹ درصدی دارند. این مسئله نشان دهنده مشارکت ورزشی بیشتر زنان در این کشور است (وان در ویت^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۸۵). وزارت فرهنگ و گردشگری کره جنوبی (۲۰۰۹) اعلام نمود که ۳۴/۳ درصد مردم این کشور تاکنون در فعالیت های ورزشی شرکت نکرده اند که میزان عدم مشارکت ورزشی زنان در این کشور بیشتر مشاهده می گردد. بررسی ها در این کشور نشان می دهد که مشارکت ورزشی افراد بین ۱۰ تا ۱۹ سال حدود ۴۳/۸ درصد، افراد ۲۰ تا ۲۹ سال حدود ۴۳/۷ درصد است و با افزایش سن به میزان ۳۰ تا ۵۹ سال، مشارکت ورزشی نیز بین ۴۶/۱ درصد تا ۵۲/۷ درصد متغیر می گردد. با این توجه مشخص گردید که در این کشور، با افزایش سن، مشارکت ورزشی کمی افزایش می یابد. کارکردهای ورزش همگانی سبب گردیده است تا فعالیت های عملی در جهت فرهنگ سازی و توسعه شاخص های مربوط به ورزش همگانی اجرا گردد. فعالیت های ورزش همگانی اجرا شده در برخی کشورها و مناطق منجر به فوائد ارزشمندی شده و کارکردهای مثبتی را به ارمغان آورده است (استراندبو و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۳۲).

¹ Wang

² Breuer

³ Van der Voet

اهمیت مشارکت ورزشی و رشد آن در سطح جهان، لزوم برنامه‌ریزی در حوزه ورزش همگانی را به خوبی نشان می‌دهد. گارد، دیونیجی و دیونیجی^۱ (۲۰۱۸) اشاره داشتند که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه ورزش همگانی در صورتی منجر به موفقیت می‌گردد که روند اجرایی مناسبی را طی نماید. فیتزگرا^۲ (۲۰۱۸) اشاره داشت که ورزش در برخی محیط‌ها به صورت عادلانه توسعه پیدا نکرده و محدود به گروه‌ها و افراد منحصر به فردی شده است. اگرچه ضرورت ورزش همگانی به صورت جدی مدنظر قرار گرفته است و فوائد بی‌شماری را ایجاد نموده است، اما همچنان روند اجرایی و ترویجی ورزش همگانی در تمامی کشورها به صورت مطلوبی انجام نمی‌گردد (بورگرز^۳ و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۵). ایجاد طرح‌ها و برنامه‌های نظری در حوزه ورزش همگانی و عدم پیاده‌سازی این طرح‌ها به عنوان یکی از آسیب‌های جدی در حوزه ورزش همگانی مشخص شده است (کولیک^۴ و همکاران، ۲۰۱۹: ۹۳۹). اگرچه عدم اجرایی نمودن برنامه‌های ورزش همگانی به عنوان یک مشکل همواره مدنظر بوده است، اما نوعی دیگر از آسیب‌ها در حوزه ورزش همگانی محدود به بزرگ‌نمایی فعالیت‌های اجرایی شده در ورزش همگانی می‌باشد (بدارد و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۵۳)؛ به صورتی که کارکردها و فوائد ورزش همگانی و فعالیت‌های اجرا شده و همچنین تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتر از وضعیت موجود مخابره شود که این مسئله می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک باور نامناسب درباره کارکردهای ورزش همگانی گردد (کیم و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۶۲۴).

اجرای مناسب برنامه‌ها از خود برنامه‌ریزی در حوزه ورزش مهم‌تر است. این مسئله نشان‌دهنده لزوم ایجاد تغییرات در جهت گسترش ورزش به دور از هر گونه کم‌کاری است. از این رو، با توجه به اهمیت ورزش همگانی نیاز است تا به دور از هرگونه شعارزدگی و تصویرسازی به گسترش آن اقدام نمود. بزرگ‌نمایی به مفهوم ارائه برخی صحبت‌ها، نظرات و برنامه‌ها بدون هرگونه پشتوانه عملی می‌باشد. به عبارتی، بزرگ‌نمایی ارائه گزارش‌های غیرحقیقی از نتایج فعالیت‌های اجرا شده است. افزایش بزرگ‌نمایی سبب می‌گردد تا حرف‌های بدون عمل، سندسازی‌ها و تصویرسازی گمراه‌کننده از برنامه‌ها در جهت مطلوب نشان دادن فعالیت‌ها ایجاد گردد. این مسئله سبب شده است تا بزرگ‌نمایی به عنوان یک عارضه در جوامع نقش مهمی در عدم پیشبرد اهداف و برنامه‌ها در حوزه‌های مختلف داشته باشد. نتیجه بزرگ‌نمایی می‌تواند شامل برخی عکس‌ها و تصاویر ساختگی از برنامه‌های صوری انجام شده و همچنین ایجاد گزارش‌های غیرواقعی و بزرگ‌نمایی در موفقیت‌های کسب‌شده سازمانی باشد. مطالعه و پژوهش پیرامون بزرگ‌نمایی و تصویرسازی در ورزش به مانند سایر حوزه‌ها مهم است.

¹ Gard, Dionigi & Dionigi

² Fitzgerald

³ Borgers

⁴ Kulick

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

خلا پژوهشی ناشی از کمبود تحقیقات به خصوص پژوهش های داخلی در این حوزه به خوبی مشهود است. در برخی پژوهش ها تنها از اهمیت عملیاتی نمودن اهداف و دور شدن از تصویرسازی در جهت کسب موفقیت صحبت هایی شده است. معدود پژوهش هایی نیز عوامل برون رفت از بزرگنمایی در اجرای برنامه ها و سیاست ها را مورد بررسی قرار داده اند. چیرستین^۱ (۲۰۱۷) عوامل فرهنگی را مورد بررسی قرار داد و اشاره داشت که ضعف های فرهنگی سبب بروز بزرگنمایی در اجرای برنامه ها در میان مدیران می گردد. کولپان و مییر^۲ (۲۰۱۶) نیز اشاره داشتند که مشکلات اقتصادی سبب تمایل مدیران به ایجاد بزرگنمایی در اجرای برنامه ها می گردد. در برخی پژوهش ها نیز مشکلات اجتماعی، خلا نظارتی، وجود فرهنگ نتیجه گرایی و نبود آگاهی های لازم از ضررهای بزرگنمایی در میان مدیران را از جمله عوامل ایجادکننده بزرگنمایی در میان مدیران دانستند. کیم و همکاران (۲۰۲۱) مشخص نمودند که در مسیر توسعه ورزش همگانی، وجود برخی آمارهای غیرواقعی می تواند مشکلات جدی را ایجاد نماید. والی^۳ (۲۰۰۷) نیز اشاره داشت که عدم توجه به مسائل مربوط آمارها و اطلاعات حقیقی در ورزش همگانی می تواند روند اثربخشی فعالیت های ورزش همگانی را به شدت تحت شعاع قرار دهد. کوتی و ویریمما^۴ (۲۰۱۴) نیز در پژوهش های خود مشخص نمودند که عدم اطلاع از اثربخشی دوره های ورزش همگانی باعث شده است تا امروزه آسیب ها و خطاهای موجود در این زمینه نامشخص باشد. برگره^۵ و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود اشاره داشتند که عدم توجه مدیران و همچنین نبود استانداردهایی در حوزه ورزش همگانی باعث گردیده است تا شواهد کافی و عینی در زمینه ورزش همگانی ایجاد نگردد. چالپ^۶ و همکاران (۲۰۱۷) نیز اشاره داشتند که عواملی که باعث می گردد تا اطلاعات غیرواقعی در مورد ورزش همگانی ایجاد گردد باید به صورت منطقه ای مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که نبود مطالعات جامع و کافی درباره شناسایی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی باعث گردیده است تا عملاً راهکارهای مقابله ای با پدیده بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی ایجاد نگردد.

با توجه به ضرورت ورزش همگانی در هر جامعه ای، در کشور ایران توسعه ورزش همگانی متمرکز بر برخی پیاده روی های خانوادگی و برخی اهداف و برنامه های ورزشی در سازمان ها و مراکز علمی از جمله دانشگاه ها و آموزش و پرورش شده است. هدفمند نبودن برنامه های ورزش همگانی در کشور سبب گردیده است تا تاثیرگذاری تلاش ها و برنامه های ورزش همگانی در توسعه فرهنگ ورزش در کشور اندک

¹ Christian

² Culpan & Meier

³ Vali

⁴ Cote & Vierimaa

⁵ Berger

⁶ Chalip

باشد. این مسئله ناشی از برخی دیدگاه‌های کوتاه‌مدت مدیران متولی ورزش همگانی در جهت اجرای صرف چند برنامه ورزشی بدون پشتوانه‌های علمی است. از طرفی، ارائه گزارش‌های غیرواقعی و بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در حوزه ورزش همگانی سبب گردیده است تا ورزش همگانی کشور دچار بزرگ‌نمایی باشد و سازمان‌های متولی آن تنها به ارائه فوائد ورزش همگانی و اجرای چندین برنامه ساده ورزش همگانی به دور از هرگونه خلاقیت و نوآوری بپردازند. این مسئله سبب گردیده است تا ارزیابی‌های انجام شده از برنامه‌های ورزش همگانی هم معطوف به بررسی تصاویر و فیلم‌های مربوط به این برنامه‌ها باشد و مدیران ورزش همگانی به دنبال کارکردهای واقعی برنامه‌های مربوط به ورزش همگانی نروند و تنها به ارائه گزارش‌های غیرواقعی، بزرگ‌نمایی شده و همچنین ارائه آمارهای خیالی اکتفا کنند. بدین ترتیب، نیاز به پژوهش‌های جامع جهت بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی به خوبی مشاهده می‌گردد. از طرفی، نبود پژوهش‌ها در این حوزه سبب گردیده است تا عملاً برنامه و رویکرد مناسبی برای مبارزه با بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی انجام نگردد. بدون شک، گسترش روزافزون بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در میان مدیران در حوزه‌های مختلف ورزشی از جمله ورزش همگانی سبب می‌گردد تا آسیب‌های جدی در این حوزه رخ دهد و از همه مهمتر منابع مالی، زمانی، انسانی و معنوی موجود در این حوزه صرف اموری گردد که عملاً تأثیری بر گسترش حقیقی ورزش همگانی ندارند. انجام پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی سبب می‌گردد تا ابهامات موجود در مورد وجود یا عدم وجود بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی کشور رفع گردد و در صورتی که بزرگ‌نمایی وجود داشته باشد، مشخص گردد که چه عواملی سبب بروز و شکل‌گیری این عارضه شده است. با توجه به چالش‌ها و آسیب‌هایی که بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی بر جای خواهد گذاشت، انجام تحقیق حاضر می‌تواند ضمن شناسایی عواملی که منجر به بزرگ‌نمایی در ورزش همگانی می‌شود، باعث گردد تا سیستم‌های کنترلی عملیاتی در جهت کاهش سطح بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی به صورت مناسب‌تر و علمی‌تری اجرایی شود. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زنگ خطری برای سازمان‌های متولی ورزش همگانی کشور باشد که بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده و همچنین برنامه‌های مربوط به ورزش همگانی در آنها در حال شیوع است. نتایج پژوهش حاضر دغدغه مبارزه با بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی را گسترش خواهد داد و راهکارهایی را در جهت مدیریت بزرگ‌نمایی در فعالیت‌ها ارائه خواهد داد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل بروزدهنده بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی، سعی در پاسخ به این سؤال دارد:

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

آیا بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی کشور وجود دارد و چه عواملی سبب شکل گیری بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در میان مدیران ورزش همگانی می گردد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی است که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی خبرگان آگاه به ورزش همگانی شامل مدیران و کارکنان فدراسیون ورزش همگانی، اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه ورزش همگانی و برخی مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان بود که در حوزه ورزش همگانی تخصص داشتند. این افراد شامل مدیران و کارکنان فدراسیون ورزش های همگانی که در حوزه سیاست گذاری اطلاعات کاملی را دارا بودند و همچنین برخی خبرگان آگاه به حوزه ورزش همگانی شامل اساتید دانشگاهی و برخی مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان بودند. بر اساس روش گلوله برفی تعداد ۵۴ نفر (۱۲ نفر از فدراسیون ورزش های همگانی و همچنین ۴۲ نفر از اساتید مدیریت ورزشی آگاه به ورزش های همگانی) به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. پس از پخش پرسش نامه ها، ۴۷ پرسش نامه (۱۰ نفر از فدراسیون ورزش های همگانی و همچنین ۳۷ نفر از اساتید مدیریت ورزشی آگاه به ورزش های همگانی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش حاضر شامل دو پرسش نامه محقق ساخته بود. پرسش نامه اول پژوهش شامل دو قسمت بود. در قسمت اول با ایراد سؤالی به بررسی وضعیت بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در برنامه های اجرایی در ورزش همگانی کشور پرداخته شد. قسمت دوم پژوهش پیرامون عوامل مؤثر بر بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی بود که ۱۳ سؤال داشت. برای شناسایی این عوامل، از مطالعه جامع منابع و همچنین بررسی نظرات خبرگان در قالب روش دلفی استفاده گردید. بدین منظور در ابتدا تعداد ۸ عامل شناسایی گردید و سپس با بررسی و انجام روش دلفی در مرحله اول، تعداد ۵ عامل دیگر از منظر خبرگان به فشارهای شناسایی شده اضافه گردید. این ۵ عامل از جمله عواملی بود که از منظر خبرگان، مربوط به شرایط و ویژگی های کشور ایران بود. سپس در مرحله دوم روش دلفی، ۱۳ عامل مؤثر بر بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی شناسایی شد و با توجه به نظر خبرگان، در نهایت این ۱۳ عامل به عنوان عوامل مؤثر بر بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی مشخص گردید. بنابراین روش دلفی در پژوهش حاضر در دو مرحله انجام گردید. گفتنی است که خبرگان مورد استفاده در قالب روش دلفی شامل ۷ تن از اساتید مدیریت ورزشی و افراد آگاه در زمینه ورزش همگانی بودند که نظرات آنان در شناسایی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

ساختاردهی به عوامل مؤثر بر بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی بر اساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بود. این پرسش‌نامه به مقایسه دو به دو ۱۳ عامل کلی شناسایی‌شده در پژوهش حاضر بر اساس استانداردهای این روش پرداخته بود. روایی محتوایی این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نظرات ۷ تن از اساتید دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین روایی محتوایی این پرسش‌نامه‌ها نیز با استفاده از فرم‌های روایی‌سنجی نسبت روایی محتوا^۱ و شاخص روایی محتوا^۲ مورد تأیید قرار گرفت. مقدار نسبت روایی محتوا با توجه به تعداد اساتید (۷ نفر)، ۰/۹۹ و مقدار شاخص روایی محتوا ، ۰/۹۹ برای پرسش‌نامه‌ها به دست آمد. بنابراین روایی محتوایی پرسش‌نامه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. همان‌طور که بیان گردید برای انجام این پژوهش از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. این مدل دارای پنج گام ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری، به دست آوردن ماتریس دست‌یابی، تعیین سطح و ماتریس استاندارد، تشکیل مدل ساختاری تفسیری و تحلیل میک‌مک بود. در نهایت پس از انجام روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، عوامل شناسایی‌شده به چهار دسته متغیرهای پیوندی، متغیرهای وابسته، متغیرهای مستقل کلیدی و متغیرهای مستقل خودمختار تقسیم شدند. بدین جهت برای انجام روش‌های آماری کلوموگراف اسمیرنف و آزمون تی تک نمونه‌ای از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۳ و برای بررسی و تحلیل روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری از نرم‌افزار میک‌مک استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که از میان نمونه‌های پژوهش حاضر، ۸۲ درصد مرد و ۱۶ درصد زن بودند. همچنین گروه سنی ۴۰-۵۰ سال با فراوانی ۷۲ درصد بیشترین فراوانی را دارا می‌باشد. همچنین نتایج توصیفی پژوهش مشخص نمود که سطح تحصیلات کارشناسی ارشد با حدود ۶۱ درصد بیشترین فراوانی را در میان نمونه‌های پژوهش شامل گردید. نتایج آزمون کلوموگراف اسمیرنف نشان داد که داده‌های پژوهش حاضر نرمال می‌باشد و می‌بایستی از آمار پارامتریک در جهت تحلیل داده‌ها بهره گرفته می‌شد. برای بررسی وضعیت میزان بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام‌شده در برنامه‌های اجرایی ورزش همگانی از روش تی تک نمونه‌ای استفاده گردید. جدول ۱ نتایج این آزمون را نشان داده است:

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تی	سطح معناداری
۵۴	۳/۵۱	۰/۸۵۴	۳/۵۲۱	۰/۰۰۴

^۱ CVR

^۲ CVI

^۳ SPSS

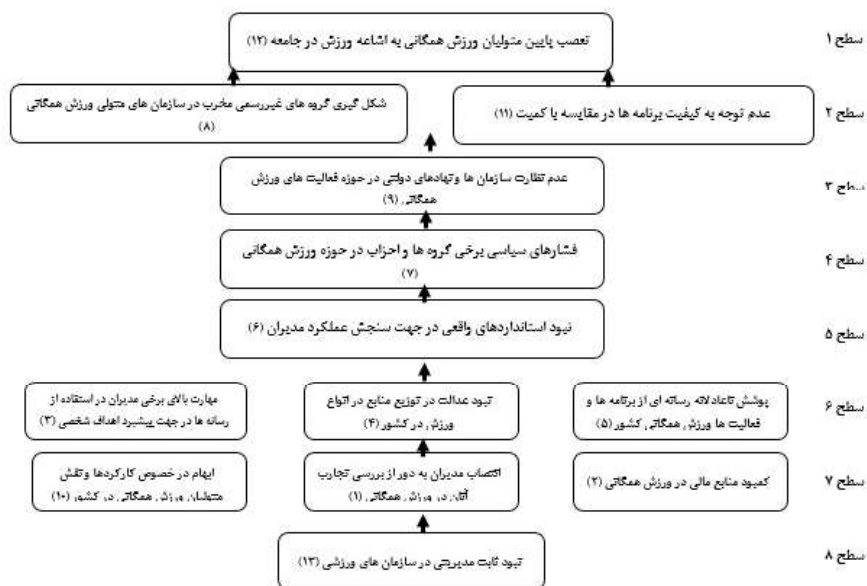
بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

همان طور که نتایج آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد، میزان بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در برنامه های ورزش همگانی در وضعیت بالاتر از سطح متوسط (عدد ۳) قرار دارد. لذا می توان اعلام داشت که از منظر نمونه های پژوهش بزرگنمایی در فعالیت های اجرا شده در ورزش همگانی در وضعیت بالاتر از میانگین قرار دارد که نشان دهنده وجود بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در برنامه های ورزش همگانی می باشد. از روش مدل سازی ساختاری تفسیری در جهت ساختاردهی به عوامل مؤثر بر شکل گیری بزرگنمایی در فعالیت های انجام شده در میان مدیران ورزش همگانی استفاده گردید. در این پژوهش ۱۳ عامل به عنوان معیارها و عناصر مد نظر در مرحله اول روش مدل سازی ساختاری تفسیری مورد استفاده قرار گرفتند. در نهایت پس از انجام مراحل مدل سازی ساختاری تفسیری، ماتریس نهایی شکل گرفت. جدول ۲ نتایج مربوط به این ماتریس را نشان می دهد:

جدول ۲: ماتریس دسترسی نهایی

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	نفوذ
۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۰	۰	۱	۱*	۰	۸
۲	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۰	۰	۱	۱*	۰	۸
۳	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱*	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴
۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۱*	۱*	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱*	۱*	۱*	۰	۱*	۱*	۰	۶
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۵
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۲
۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱*	۰	۳
۱۰	۰	۰	۱	۱	۱*	۱*	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۷
۱۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲
۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۱۳	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۰	۰	۱	۰	۱*	۰	۱	۹
وابستگی	۳	۳	۶	۶	۶	۸	۷	۳	۴	۱	۸	۹	۲	-

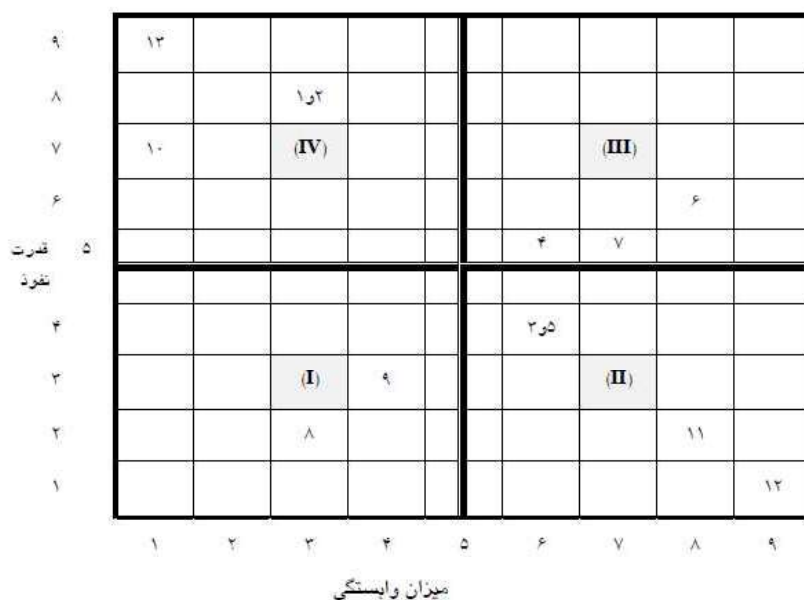
جدول ۲ ماتریس نهایی را نشان می دهد. در این ماتریس علائم ۰ و ۱ پس از نوع روابط میان فشارها تبیین گردید و پس از اصلاحات انجام شده بر اساس روش مدل سازی ساختاری تفسیری، برخی از این اعداد تغییر یافت که این مسئله با علامت ۱* مشخص گردید. با توجه به نتایج جدول ماتریس نهایی،



تحلیل میک مک

در این مرحله با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص خواهد شد و پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی فشارها، می‌توان تمامی فشارهای شناسایی شده را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثرمتغیرها در چهار گروه طبقه‌بندی نمود. اولین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) می‌شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم، متغیرهای وابسته هستند که از قدرت نفوذ ضعیف، اما وابستگی بالایی برخوردارند. گروه سوم، متغیرهای پیوندی بودند که از قدرت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند. در واقع هر گونه عملی بر روی این متغیرها باعث تغییر در سایر متغیرها می‌شود. گروه چهارم، متغیرهای مستقل (کلیدی) را در بر می‌گیرد. این متغیرها دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی بودند. شکل ۲، تحلیل میک‌مک در پژوهش حاضر را به نمایش گذاشته است:

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی



شکل ۲: تحلیل میک مک

با توجه به جدول بالا مشخص گردید که شکل گیری گروه های غیررسمی مخرب در سازمان های متولی ورزش همگانی و عدم نظارت سازمان ها و نهادهای دولتی در حوزه فعالیت های ورزش همگانی، جزو متغیرهای مستقل خودمختار است. نتایج همچنین نشان داد که مهارت بالای برخی مدیران در استفاده از رسانه ها در جهت پیشبرد اهداف شخصی، پوشش ناعادلانه رسانه ای از برنامه ها و فعالیت های ورزش همگانی کشور، عدم توجه به کیفیت برنامه ها در مقایسه با کمیت و تعصب پایین متولیان ورزش همگانی به اشاعه ورزش در جامعه جزو عوامل وابسته است که بیشتر از سوی سایر عوامل تاثیرپذیر بود. نتایج همچنین نشان داد که فشارهای سیاسی برخی گروه ها و احزاب در حوزه ورزش همگانی، نبود استانداردهای واقعی در جهت سنجش عملکرد مدیران و نبود عدالت در توزیع منابع در انواع ورزش در کشور جزو عوامل پیوندی است؛ بدین معنا که هرگونه عملی روی این عوامل، سبب تغییر در سایر متغیرها می گردد. نتایج همچنین نشان داد که کمبود منابع مالی در ورزش همگانی، انتصاب مدیران به دور از بررسی تجارب آنان در ورزش همگانی، ابهام در مورد کارکردها و نقش متولیان ورزش همگانی در کشور و نبود ثبات مدیریتی در سازمان های ورزشی جزو عوامل مستقل کلیدی است که سبب تاثیرگذاری بر سایر عوامل می شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، ساختاردهی عوامل مؤثر بر بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی بود. نتایج مشخص نمود که وضعیت بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی بیش از میانگین (عدد ۳) است که این مسئله نشان‌دهنده وجود بزرگ‌نمایی در فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی است. شکل‌گیری بزرگ‌نمایی در جوامع در تمامی حوزه به اشکال مختلف وجود دارد. این مسئله یکی از فعالیت‌های مخرب است که سبب می‌گردد تا علاوه بر ارائه آمارهای دروغین به نوعی وضعیت نامطلوب موجود به صورت مطلوب وانمود گردد. بویتی و میر^۱ (۲۰۰۰) اشاره داشتند که بزرگ‌نمایی آثار جبران‌ناپذیری بر بدنه سازمان‌ها دارد. بزرگ‌نمایی سبب می‌گردد تا وضعیت نامطلوب سازمان‌ها مخفی بماند که این خود باعث می‌شود تا عملاً تلاشی در جهت رفع این کاستی‌ها شکل نگیرد. در پژوهش حاضر ضمن بررسی‌های انجام گرفته شده، برخی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بزرگ‌نمایی در ورزش همگانی شناسایی و تحلیل گردید.

نتایج مدل‌سازی ساختاری تفسیری نشان داد که کمبود منابع مالی، انتصاب نامناسب مدیران، ابهام در کارکردها و نقش متولیان ورزش همگانی در کشور و نبود ثبات مدیریتی در سازمان‌های ورزشی از جمله عوامل مهم کلیدی است که خود سبب شکل‌گیری سایر عوامل می‌گردد. چالیپ و همکاران (۲۰۱۷) نیز اشاره داشتند که عواملی که باعث می‌شود تا اطلاعات غیرواقعی در مورد ورزش همگانی ایجاد گردد باید به صورت منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که نبود مطالعات جامع و کافی برای شناسایی عوامل مؤثر بر بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی باعث گردیده است تا عملاً راهکارهای مقابله‌ای با پدیده بزرگ‌نمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی ایجاد نگردد. نواکوا، هودک، جولیس و فلگر^۲ (۲۰۱۸) اشاره داشتند که منابع مالی از جمله مسائل مهم در سازمان‌هاست که سبب می‌گردد تا مدیران در جهت پنهان نمودن ضعف‌های خود، به سمت بزرگ‌نمایی روی آورند. بوستوس‌آگوآوو، جواثرزناجرا، کارئون‌گوین، ساندوال‌وازکوئز و هرناندزوالدز^۳ (۲۰۱۷) نیز دریافتند که ابهامات در ساختار سازمانی سبب می‌گردد تا زمینه‌های بروز فساد از جمله بزرگ‌نمایی در جهت عملکرد سازمان‌ها شکل گیرد. مشکلات مالی در ورزش باعث می‌شود تا مدیران در جهت بهبود ورزش همگانی، اقدام به فعالیت‌های غیرواقعی در جهت مناسب نشان دادن وضعیت موجود نمایند. به عنوان مثال، مدیری که با توجه به مشکلات مالی، توان اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی گسترده را ندارد، سعی در ایجاد برخی فعالیت‌های کوچک و بی‌تاثیر خواهد داشت و با بزرگ‌نمایی این فعالیت‌ها در تلاش خواهد بود تا اقدامات خود در

¹ Bohte & Meier

² Novakova, Houdek, Jolič & Flegr

³ Bustos-Aguayo, Juárez-Nájera, Carreón-García, Sandoval-Vázquez & Hernández-Valdés

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

حوزه ورزش همگانی را بزرگ جلوه دهد. در این بین می توان از برخی همایش های پیاده روی خانوادگی نام برد که در مناطق مختلف کشور انجام گردیده و با وجود عدم استقبال مردمی و بی نظمی های بسیار، در فضای رسانه ای به صورت غیرواقعی جلوه داده شده است- از آن میان می توان به همایش پیاده روی شهرکرد در سال ۱۳۹۵ و همایش پیاده روی شهر آستارا در سال ۱۳۹۶ اشاره کرد. همچنین ابهام در مورد کارکردها و نقش متولیان ورزش همگانی در کشور به عنوان یک آسیب جدی و مهم سبب گردیده است تا احساس مسئولیت گروه ها و نهادهای مرتبط در مسیر توسعه ورزش همگانی کاهش یابد و مدیران در انجام فعالیت های خود، اقدام به بزرگنمایی نمایند.

میتچل و همکاران (۲۰۱۸) اشاره داشتند که مشکلات مدیریتی از جمله عدم ثبات مدیریتی و همچنین عدم انتصاب مدیران غیرمتخصص سبب می گردد تا مدیران جهت بهبود وضعیت موجود دست به اقدامات غیرواقعی بزنند. برون و هورنوف^۱ (۲۰۱۸) هم دریافتند که عدم ثبات مدیریتی یکی از شرایط ایجادکننده فساد از جمله بزرگنمایی است. کیم و همکاران (۲۰۲۱) مشخص نمودند که در مسیر توسعه ورزش همگانی، وجود برخی آمارهای غیرواقعی می تواند مشکلات جدی را ایجاد نماید. والی (۲۰۰۷) نیز اشاره داشت که عدم توجه به مسائل مربوط به آمارها و اطلاعات حقیقی در ورزش همگانی می تواند روند اثربخشی فعالیت های ورزش همگانی را به شدت تحت شعاع قرار دهد. مشکلات مدیریتی از جمله عدم ثبات مدیریتی و انتصاب مدیران غیرمتخصص سبب می گردد تا در مسیر فعالیت های مدیران در عرصه ورزش همگانی مشکلات عمده ای پیش آید. ترس از تغییر مدیریت در میان مدیران و همچنین تخصص پایین آنان سبب می گردد تا استرس در حین فعالیت تماما آنان را تهدید نماید. بنابراین مدیران در برخی فعالیت های خود اقدام به بزرگنمایی در جهت پیشبرد اهداف شان و باقی ماندن در پست خود می نمایند.

نتایج همچنین نشان داد که فشارهای سیاسی برخی گروه ها و احزاب در حوزه ورزش همگانی، نبود استانداردهای واقعی در جهت سنجش عملکرد مدیران و نبود عدالت در توزیع منابع در انواع ورزش در کشور جزء عوامل پیوندی است؛ بدین معنا که هرگونه عملی روی این عوامل، سبب تغییر در سایر متغیرها می گردد. نوواکوا و همکاران (۲۰۱۸) و میتچل و همکاران (۲۰۱۸) اشاره داشتند که برخی اعمال نفوذها از سوی گروه های سیاسی سبب می گردد تا مدیران در جهت بهبود شرایط خود، اقدام به برخی فسادها از جمله بزرگنمایی نمایند. اعمال نفوذ از سوی گروه های سیاسی در ورزش همگانی کشور به دو صورت می تواند بر مدیران تاثیرگذار باشد: برخی مدیران از ترس اعمال گروه های سیاسی در جهت تقویت عملکرد خود، اقدام به برخی فعالیت های ظاهری خواهند نمود. همچنین مدیرانی که به واسطه اعمال

¹ Braun & Hornuf

فشارهای سیاسی در پست‌های موجود حاضرند، در جهت بهبود شرایط و تثبیت این فشارهای سیاسی اقدام به برخی فعالیت‌های ظاهرگونه می‌نمایند.

بوتهی و میر^۱ (۲۰۰۰) نیز اشاره داشتند که فقدان عدالت در تقسیم منابع موجود، یکی از زمینه‌های بروزدهنده بزرگ‌نمایی در میان مدیران است. نبود عدالت در توزیع منابع سبب می‌گردد تا در برخی شرایط مدیرانی که با مشکلات مالی دسته و پنجه نرم می‌نمایند، در جهت تغییر وضعیت خود، اقدام به انجام فعالیت‌های کم اهمیت و ظاهرگونه نمایند. اجرای برخی همایش‌های پیاده‌روی خانوادگی در جهت ترویج فرهنگ مشارکت ورزشی و بی‌اثر بودن این فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های ظاهرگونه در حوزه ورزش همگانی است. بوستوس‌آگواو و همکاران (۲۰۱۷) نیز به نبود استانداردهای مناسب در جهت سنجش عملکرد مدیران اشاره نمودند و پس از بررسی‌های خود پی بردند که عدم سنجش دقیق عملکرد مدیران سبب می‌گردد تا آنان در وظایف خود اقدام به برخی اعمال نامناسب از جمله بزرگ‌نمایی نمایند. فقدان استانداردهای مناسب در جهت سنجش عملکرد مدیران سبب گردیده است تا عملاً فرق بین فعالیت‌های مناسب و غیرمناسب مشخص نگردد. لذا مدیران از این وضعیت استفاده لازم را خواهند برد و اقدام به فعالیت‌های غیرواقعی نمایند.

پژوهش حاضر همچنین به خوبی مشخص نمود که عدم ثبات مدیریتی به عنوان یک عامل زیربنایی سبب می‌گردد تا بزرگ‌نمایی در ورزش همگانی شکل گیرد. این مسئله با نتایج پژوهش‌های چالیپ و همکاران (۲۰۱۷)، کوتی و ویریما (۲۰۱۴) و برگر و همکاران (۲۰۰۸) همسو بود. به نظر می‌رسد ترس از تغییر در میان مدیران سبب می‌گردد تا آنان از هر ابزاری در جهت مناسب جلوه دادن وضعیت استفاده لازم را داشته باشند. این مسئله سبب گردیده است تا امروزه شاهد برخی بزرگ‌نمایی‌ها در ورزش همگانی در جهت توسعه ورزش همگانی باشیم، در حالی که ورزش همگانی در کشور آنچنان که باید رشد قابل قبولی نداشته است. از این رو، در جهت توسعه واقعی ورزش همگانی نیاز است تا ضمن توجه به عوامل بروزدهنده این مسئله، به نوعی اقدام به رفع این عوامل گردد. پژوهش حاضر ضمن بهبود شفافیت‌ها پیرامون عوامل بروزدهنده بزرگ‌نمایی در ورزش همگانی، برخی عوامل مهم و کلیدی در این حوزه را مشخص نمود. امید است نتایج پژوهش حاضر در جهت بهبود ورزش همگانی و خروج از بزرگ‌نمایی در برنامه‌ها و فعالیت‌های موجود در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

اهمیت ورزشی همگانی و ترویج آن در جامعه در بیشتر پژوهش‌ها به شکل مناسبی مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. کارکردهای ورزش همگانی و ضرورت توسعه آن در جوامع سبب گردیده است تا تلاش‌هایی در جهت ترویج آن در جامعه شکل گیرد، این در حالی است که مسیر توسعه ورزش همگانی و

¹ Bohte & Meier

بررسی عوامل مؤثر بر بزرگنمایی فعالیت های انجام شده در ورزش همگانی

ترویج آن با ابهامات اساسی مواجه است. بزرگنمایی به عنوان یکی از آسیب‌زاترین مسائل در مدیریت، سبب ایجاد صدمات بسیاری بر پیکره ورزش همگانی می‌گردد. پژوهش حاضر ضمن اثبات وجود بزرگ-نمایی در ورزش همگانی، علل شکل‌گیری آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و در نهایت در قالب مدل ساختاری تفسیری به تفسیر و بیان عوامل شکل‌دهنده بزرگنمایی در ورزش همگانی پرداخت. از این رو پژوهش حاضر در جهت بزرگنمایی در ورزش همگانی و برنامه‌ریزی در جهت رفع آن، شواهد علمی مناسبی را ارائه نمود.

در اجرای پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت. دسترسی سخت و دشوار به نمونه‌های پژوهش و عدم همکاری برخی مدیران ارشد وزارت ورزش و جوانان از جمله این محدودیت‌ها بود. همچنین نامشخص بودن آمارها و فعالیت‌های انجام شده در ورزش همگانی سبب گردیده است تا میزان دقیق و حقیقی بزرگنمایی مدیران ورزش همگانی کشور نامشخص باشد- این در حالی بود که با بررسی نظرات خبرگان پژوهش، وجود بزرگنمایی مورد اثبات قرار گرفته بود. پس بررسی های میدانی جهت تعیین میزان بزرگنمایی در ورزش همگانی ضروری می‌باشد. همچنین در جهت انجام پژوهش حاضر محدودیت‌هایی از جمله عدم‌سنجش دقیق اثربخشی فعالیت‌های اجرا شده در حوزه ورزش همگانی و نبود بانک اطلاعاتی جامع از تمامی فعالیت‌های ورزش همگانی در سطح کشور وجود داشت. با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر تاثیرگذاری عامل کمبود منابع مالی در جهت شکل‌گیری بزرگنمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی، پیشنهاد می‌گردد تا با سطح بندی فعالیت‌های ورزشی همگانی بر حسب پوشش مالی هر فعالیت، ارزیابی‌های مربوط به این فعالیت‌ها بر حسب پوشش و منابع مالی مربوط به هر فعالیت انجام گردد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر تاثیرگذاری عامل ابهام در کارکردها و نقش متولیان در شکل‌گیری بزرگنمایی فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی، پیشنهاد می‌گردد تا با ساختاردهی به متولیان ورزش همگانی و ایجاد انسجام در وظایف هر کدام از متولیان، شرایطی جهت رفع ابهام در زمینه فعالیت‌های انجام‌شده در ورزش همگانی به وجود آید. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد عدالت در توزیع منابع مالی در ساختار ورزش کشور، برخی مشکلات مالی در ورزش همگانی رفع گردد تا فشارهای ناشی از مشکلات مالی از مدیران ورزش همگانی کشور برداشته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا بررسی‌های دقیق و ارزیابی‌های جامع در انتصابات حوزه ورزش همگانی و توجه به سوابق شغلی مدیران در عرصه‌های ورزشی برای انتخاب آنان، صورت پذیرد تا مدیران با تعصب به عرصه ورزش سکان دار ورزش همگانی کشور گردند. از طرفی پیشنهاد می‌گردد تا با افزایش ثبات مدیریتی در عرصه ورزش همگانی، مدیران ورزش همگانی را به سمت ایجاد و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت ترغیب نمود. همچنین

پیشنهاد می‌گردد تا با طراحی ساختار توسعه ورزش همگانی کشور و تعیین تکلیف وظایف سازمان‌های متولی، تلاش‌های هدفمند و نظام‌مندی در حوزه ورزش همگانی صورت پذیرد.

منابع

- Akindutire, I. O. (2005). "Inhibiting Factors to Female Participation in Sport in Nigerian Universitie". European Scientific Journal, 18(21): 76-82.
- Akodu, A. K., Owuoye, O. B. A., & Raufu, A. I. (2022). "Exercise, Recreation and Sport Participation among Lecturers in University of Lagos". University of Lagos Journal of Basic Medical Sciences, 4(8), 1-9.
- Andersen, M. H., Ottesen, L., & Thing, L. F. (2019). "The social and psychological health outcomes of team sport participation in adults: An integrative review of research". Scandinavian journal of public health, 47(8), 832-850.
- Baker, C., El Ansari, W., & Crone, D. (2017). "Partnership working in sport and physical activity promotion: An assessment of processes and outcomes in community sports networks". Public Policy and Administration, 32(2), 87-109.
- Bedard, C., Hanna, S., & Cairney, J. (2020). "A longitudinal study of sport participation and perceived social competence in youth". Journal of Adolescent Health, 66(3), 352-359.
- Berger, I. E., O'Reilly, N., Parent, M. M., Séguin, B., & Hernandez, T. (2008). "Determinants of sport participation among Canadian adolescents". Sport management review, 11(3), 277-307.
- Bohte, J., & Meier, K. J. (2000). "Goal displacement: Assessing the motivation for organizational cheating". Public Administration Review, 60(2), 173-182.
- Borgers, J., Pilgaard, M., Vanreusel, B., & Scheerder, J. (2018). "Can we consider changes in sports participation as institutional change? A conceptual framework". International review for the sociology of sport, 53(1), 84-100.
- Braun, S., & Hornuf, L. (2018). "Authentic Leadership and Followers' Cheating Behaviour: A Laboratory Experiment from a Self-Concept Maintenance Perspective". In Authentic Leadership and Followership. Palgrave Macmillan, Cham. 215-244.
- Breuer, C., Hallmann, K., & Wicker, P. (2011). "Determinants of sport participation in different sports". Managing Leisure, 16(4), 269-286.
- Bustos-Aguayo, J. M., Juárez-Nájera, M., Carreón-Guillén, J., Sandoval-Vázquez, F. R., & Hernández-Valdés, J. (2017). "Governance for Sustainability in an Organization in Central Mexico, International Journal of Environment". Agriculture and Biotechnology, 2(6), 3285-3293.
- Chalip, L., Green, B. C., Taks, M., & Misener, L. (2017). "Creating sport participation from sport events: Making it happen". International journal of sport policy and politics, 9(2), 257-276.
- Christian, M. E. (2017). "Hazing on women's sport teams at three colleges and universities". Scandals in college sports, 1-14.
- Côté, J., & Vierimaa, M. (2014). "The developmental model of sport participation: 15 years after its first conceptualization". Science & sports, 29, S63-S69.
- Gard, M., Dionigi, R. A., & Dionigi, C. (2018). "From a Lucky Few to the Reluctant Many: Interrogating the Politics of Sport for All". In Sport and Physical Activity across the Lifespan. Palgrave Macmillan, London. 67-89.
- Hoffmann, M. D., Barnes, J. D., Tremblay, M. S., & Guerrero, M. D. (2022). "Associations between organized sport participation and mental health difficulties: Data from over 11,000 US children and adolescents". PLoS one, 17(6), 1-11.
- Humphreys, B. R., MacLeod, L., & Ruseski, J. (2014). "Physical activity and health outcome: Evidence from Canada". Health Econ. 23(1), 33-54.
- Kim, A. C. H., Ryu, J., Lee, C., Kim, K. M., & Heo, J. (2021). "Sport participation and happiness among older adults: A mediating role of social capital". Journal of Happiness Studies, 22, 1623-1641.
- Kim T, Hyun Mun J, Jun P, Kim GC, Sim Y, Jeong H. (2011). "Leisure time physical activity of people with spinal cord injury: mainly with clubs of spinal cord injury patients in BusanKyeongnam, Korea". Ann Rehabil Med; 35(5): 613-26.

- Kontro, T. K., Bondarev, D., Pyykönen, K. M., von Bonsdorff, M., Laakso, L., Suominen, H., & Korhonen, M. T. (2022). **“Motives for competitive sports participation in masters track and field athletes: Impact of sociodemographic factors and competitive background”**. Plos one, 17(11), 1-12.
- Korea Ministry of Culture and Tourism. (2008). **Sports white paper**. Seoul, Korea: Ministry of Culture and Tourism. 2009. 1-170.
- Kulick, A., Wernick, L. J., Espinoza, M. A. V., Newman, T. J., & Dessel, A. B. (2019). **“Three strikes and you’re out: Culture, facilities, and participation among LGBTQ youth in sports”**. Sport, Education and Society, 24(9), 939-953.
- Mitchell, M. S., Baer, M. D., Ambrose, M. L., Folger, R., & Palmer, N. F. (2018). **Cheating under pressure: A self-protection model of workplace cheating behavior”**. Journal of Applied Psychology, 103(1), 54-73.
- Novakova, J., Houdek, P., Jolič, J., & Flegr, J. (2018). **“Experimental assessment of cheating prevalence in the Czech Republic as an example of a post-communist country”**. Deviant Behavior, 1-12.
- Reid, F. (2018). **“Volunteers in some sport for development programmes are different: a comment on Burrai and Hannam”**. Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events, 10(1), 101-105.
- Strandbu, Å., Bakken, A., & Stefansen, K. (2020). **“The continued importance of family sport culture for sport participation during the teenage years”**. Sport, Education and Society, 25(8), 931-945.
- Vail, S. E. (2007). **“Community development and sport participation”**. Journal of sport management, 21(4), 571-596.
- Van Bottenburg, M., Rijnen, B., & Van Sterkenburg, J. (2005). **“Sport participation in the EU: Trends and differences”**. Amsterdam: Mulier Institute. 1-203.
- Van der Voet, J., Groeneveld, S., & Kuipers, B. S. (2014). **“Talking the talk or walking the walk? The leadership of planned and emergent change in a public organization”**. Journal of Change Management, 14(2), 171-191.
- Wang, G., Pratt, M., Macera, C.A., Zheng, Z.-J., & Heath, G. (2004). **“Physical activity, cardiovascular disease, and medical expenditures in US adults”**. Annals of Behavioral Medicine, 28, 88_94.
- Warfield, J.W. (1974). **“Developing interconnected matrices in structural modelling. IEEE transcript on systems”**. Men and Cybernetics, 4(1): 51-81.

